



علم زمینه ای است برای عقل و عقل وسیله ای است برای فرشته شدن

کتابت و علم زمینه ای است برای عقل و عقل وسیله ای است برای فرشته شدن. جامعه فرشته نه به بیراهه می رود و نه راه کسی را می بندد.

کتابت و علم زمینه ای است برای عقل و عقل وسیله ای است برای فرشته شدن. جامعه فرشته نه به بیراهه می رود و نه راه کسی را می بندد.

به گزارش خبرگزاری مهر، مراسم افتتاح باغ کتاب تهران با پخش پیام تصویری آیت الله جوادی آملی عصر روز گذشته برگزار شد.

آیت الله جوادی آملی در پیام خود به این مراسم با اشاره به اهمیت کتاب و کتابخوانی اذعان داشت: کتابت و علم زمینه ای است برای عقل و عقل وسیله ای است برای فرشته شدن. جامعه فرشته نه به بیراهه می رود و نه راه کسی را می بندد. وقتی قرآن ما در کنار شمس و قمر به علم و کتاب و قلم سوگند می خورد یعنی قلم باید مثل قمر نور بدهد و کتاب مثل شمع فروغ داشته باشد. این طلعه کار است، باغ کتاب قدم اول است که انسان به نوشتن و گفتن صحیح عادت کند و آگاه شود و این کافی نیست و این مقدمه است.

متن کامل پیام معظم له به شرح زیر است:

أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ؛ وَ صَلَّى اللَّهُ عَلَى؛ جَمِيعِ الْأَنْبِيَاءِ وَ الْمُرْسَلِينَ؛ وَ الْأَئِمَّةِ الْهُدَاةِ الْمَهْدِيِّينَ سَيِّمًا خَاتَمُ الْأَنْبِيَاءِ وَ خَاتَمُ الْأَوْصِيَاءِ (عَلَيْهِمَا أَلَفُ التَّجِيَّةِ وَ النَّتَاءِ) يَهْمُ تَتَوَلَّى؛ وَ مِنْ أَعْدَائِهِمْ؛ تَتَبَرَّأُ إِلَى اللَّهِ؛.

مقدم شما کتاب دوستان، دانشوران، نخبگان و فرهیختگان علمی را گرامی می‌داریم. از ذات اقدس الهی مسئلت می‌کنیم، اعمال و عبادات ماه مبارک رمضان همگان، به احسن وجه پذیرفته شده باشد و راهپیمایی روز پُر برکت قدس اثر شایانی در منطقه داشته باشد و خدای سبحان امنیت و امانت این مملکت را در سایه ولی خود حفظ بفرماید. از برگزارکنندگان این همایش وزین که به نام باغ کتاب ایران و منطقه غرب آسیاست، حق شناسی می‌کنیم. از همه بزرگوارانی که با ایراد مقال یا ارائه مقال بر وزن علمی این نشست افزودند و می‌افزایند، سپاسگزاریم و از خدای سبحان مسئلت می‌کنیم، توفیق رسیدن به اهداف این نشست را به همگان مرحمت کند!

دین، دین علمی است و علم با گفتار و نوشتار و کردار و رفتار، سامان می‌پذیرد. کتابت و علم، زمینه‌ای است برای عقل و عقل وسیله‌ای است برای فرشته شدن و جامعه فرشته نه بی‌راهه می‌رود و نه راه کسی را می‌بندد. قرآن کریم وقتی اُسمای حسناى الهی را ذکر می‌کند؛ یعنی خلفای او باید به این اُسما متَّصف شوند.

انسان اگر انسان راستین است، خلیفه خداست و خلیفه او اوصاف مستخلف عنه را دارد و مستخلف عنه را عالمه جهان را اداره می‌کند. قرآن کریم مجاری علم را به ما داد و آموخت؛ هم سمع و بصر را به ما داد و هم قلب و هوش را به ما عطا کرد به إذن خدا، تا عالم و محقق شویم و این را نردبان قرار دهیم برای عقل. قرآن کریم که ما را به علم و کتاب دعوت می‌کند و به قلم سوگند یاد می‌کند و به مکتوبات قلم داران قسم یاد می‌کند: ﴿ن وَالْقَلَمِ وَمَا يَسْطُرُونَ﴾، [1] دینی که به ابزار نوشتن سوگند یاد می‌کند، دینی که به کتابت و مکتوب قسم یاد می‌کند، آن طوری که به شمس و قمر قسم یاد می‌کند: ﴿وَالشَّمْسُ وَضُحَاهَا * وَالْقَمَرُ إِذَا تَلَاها﴾، [2] یعنی قلم باید مثل قمر نور بدهد، کتاب باید مثل شمس فروغ داشته باشد. این طلعه کار است، باغ کتاب قدم اول است که انسان به نوشتن و گفتن صحیح عادت کند و آگاه

شود و این کافی نیست و این مقدمه است.

قرآن بعد از اینکه جامعه را به علم دعوت کرده است، به آنها می‌گوید؛ علم نردبان است نه وسیله و هدف و این نردبان باید جامعه را به عقل برساند، فرمود: ﴿وَتِلْكَ الْأَمْثَالُ لَتَضُرُّهَا لِلنَّاسِ وَ مَا يَعْقِلُهَا إِلَّا الْعَالِمُونَ﴾ [3] فرمود؛ این تبیین‌هایی که در قرآن کریم هست، دانشوران بهره می‌زنند و این دانشوران نردبان‌هایی در دست دارند که به سمت عقل باید صعود کنند، چون آنجاست که ﴿إِلَيْهِ يَصْعَدُ الْكَلِمُ الطَّيِّبُ﴾، [4] پس قدم اول عالم شدن. قدم دوم این که بدانیم خود این علم هدف نیست، نردبان است. سوم آن که بدانیم این نردبان را به اوج و عروج عقل نصب بکنیم که بشویم عاقل. عقل را صاحب شریعت، یعنی وجود مبارک پیامبر اعظم (علیه و آله‌السلام)؛ آثار النجیه و الثناء تفسیر کرد، فرمود؛ عقل آن است که در بخش اندیشه زانوی سرکش وهم و خیال را عقال کند و در بخش انگیزه زانوهای سرکش شهوت و غضب را عقال کند، عقل همان عقال است. [5] عقال آن زانوبند شتر است که شتر چموش و جموح را با زانوبند می‌بندند که چموشی نکند. وهم در اختیار انسان نیست، خیال در اختیار انسان نیست، عقل است که وهم و خیال را در بخش اندیشه رام می‌کند تا اقسام سیزده‌گانه مغالطه منطقی و بیشتر از آن را، راه‌بند اندیشه قرار ندهد. اگر وهم شیطننت نکند و اگر خیال، خیال‌اندوزی و خیال‌بافی نکند، عقل در اندیشه به دام مغالطات نمی‌افتد. علمش می‌شود عقل و می‌شود برهان و سالیان متمادی می‌ماند و بهره می‌دهد. تازه این ناظر به بخش اندیشه است و در بخش اخلاق و حقوق و فقه و عمل و رفتار و سنت، یعنی بخش انگیزه، عقل دیگری است که - هیچ یعنی هیچ - هیچ ارتباطی با عقل اندیشه ندارد. اینکه عرض می‌کنیم عقل انگیزه با عقل اندیشه هیچ ارتباطی ندارد، با اینکه صدها کار هماهنگ و پیوند با هم دارند؛ مثل حرف آن طیبی است که در داوری بین پرده‌های چشم و آب‌های چشم می‌زنند؛ گوید؛ این پرده با آن پرده هیچ ارتباطی ندارد؛ یعنی انسان هر چه دقیق‌تر می‌شود، موشکاف‌تر می‌شود و به تعبیر محققان عرب لا شقاق الشّعرا؛ و به تعبیر ما فارسی‌زبانان؛ موشکاف‌تر می‌شود، مرزها را از هم جدا می‌کند.

در بخش‌های عقل عملی و عقل نظری، صدها کار با هم مرتبط انجام می‌دهند؛ ولی در آن دقت‌های نهایی، مرز هر کدام جد است. اینکه می‌بینید ما عالم بی‌عمل داریم؛ یعنی اندیشه صد درصد هست و عمل نیست، برای آن مرزبندی بین عقل عملی و عقل نظری، یعنی مرزبندی بین انگیزه و اندیشه، یعنی مرزبندی بین مسئول دانش و کوشش است.

اگر در بخش اندیشه باغ کتاب ایران و منطقه غرب آسیا و کودکان و نوجوانان و جوانان و سالمندان را موفق کند که با علم و دانش آشنا کند و این علم و دانش را نردبان قرار بدهد تا به قله عقل برسد، وقتی به عقل اندیشمند می‌رسند، می‌شوند حکیم، می‌شوند فقیه، می‌شوند طبیب، می‌شوند مهندس و مانند آن. همه اینها در بخش اندیشه و علم است و عقل عملی که به تعبیر دین لا عید به الرحمن و اکثسب به الجنان؛ [6] که جامعه را حل می‌کند، یک عقال و زانوبندی است بین شهوت چموش و غضب چموش، این غضب چموش و شهوت چموش که مشکلات روزانه‌ای را فرا سوی جامعه قرار می‌دهد، این زانوهای را عقل عملی باید بند ببندد، مهار کند و عقل عملی در قله‌ای قرار دارد که شهوت را تعطیل نمی‌کند، تعدیل می‌کند. غضب را تعطیل نمی‌کند، تعدیل می‌کند.

این عقل همان بیان نورانی امیر بیان (سلام الله علیه) را دارد که ﴿رُدُّوا الْحَجَرَ مِنْ حَيْثُ جَاءَ﴾ [7]؛ سنگ را از آنجا که آمد پرت کنید و برگردانید. سنگ ترور را با موشک پاسخ بدهید، سنگ سیاهی را با همان سیاهی پاسخ بدهید، هرگز ملت ستم‌پذیر و خاموش نباشید! این سخن نقض و نقد علی بن ابی طالب (سلام الله علیه) است که فرمود: ﴿رُدُّوا الْحَجَرَ مِنْ حَيْثُ جَاءَ﴾، غضب را نباید تعطیل کرد، باید تعدیل کرد؛ یعنی به کسی حمله نکرد و حمله را هر کسی را هم پاسخ داد. شهوت را نباید تعطیل کرد، شهوت را باید تعدیل کرد؛ ازدواج را باید حتمی کرد، تأخیر نینداخت. شهوت و غضب اگر تعطیل شوند، همان فتنه‌ای را به بار می‌آورند که اگر سرکشی کنند. عقل عملی زانوی این شهوت و غضب را عقال می‌کند و می‌بندد، این می‌شود انگیزه عاقل. این هم یک مرحله، هنوز بین راه هستیم و کافی نیست و مستحضر هستید، شخص می‌تواند در مسایل عادی خود عالمانه مشکل خود را حل کند، عاقلانه دشواری خود را حل کند؛ ولی جامعه را علما اداره نمی‌کنند، جامعه را عقلا اداره نمی‌کنند. قرآن کریم می‌گوید اگر جامعه‌ای اهل علم و عقل شد بین راه است، نه به قله راه.

مستحضر هستید در این ماه پُر برکت رمضان شریف، آیات فراوانی خوانده‌اید، فرمود: ﴿لَعَلَّهُمْ يَتَفَكَّرُونَ﴾ [8]؛ ﴿لَعَلَّهُمْ يَعْلَمُونَ﴾ [9]؛ فراوان است؛ اما با این فراوانی، فرمود مشکل را علما حل نمی‌کنند، مشکل را عقلا

می‌کنند؛ یک استاد حوزوی، یا استاد دانشگاهی است، کتاب خوب می‌نویسد؛ تدریس خوب می‌کند؛ خوب سخن می‌گوید؛ سخن خوب می‌گوید؛ اما در مقام عمل آن بخش اراده و تصمیم و عقل فلج است. این بیان نورانی امیرمؤمنان (سَلَامُ اللّٰهِ عَلَیْهِ) که فرمود: «مِنْ عَقْلِ اَسِيرٍ تَحْتَ هَوٰی اَمِيرٍ» [12]؛ همین است. در صحنه جهاد نفس این شکست خورده است؛ یعنی شهوت و غضب زانوی عقل را شکستند؛ چشم عقل عملی را کور کردند. فرمود اگر این عقل عملی که باید فرمانده باشد، اسیر است: «مِنْ عَقْلِ اَسِيرٍ تَحْتَ هَوٰی اَمِيرٍ»؛ شهوت امیر شد، غضب امیر شد، آن عقل را به اسارت گرفتند، این شده ویلچری.

این عالم حوزوی یا استاد دانشگاهی، مطلب را صد در صد می‌داند حق است؛ اما صد درصد خلاف می‌کند؛ چون علم عمل نمی‌کند؛ عقل نظری تصمیم نمی‌گیرد؛ عقل نظری تصور و تصدیق علمی دارد. اراده فعل است، تصدیق علم است. بین فعل و علم خیلی فرق است، نیت و اخلاص و اراده و اینها چیزی دیگر است، این شکست خورده است در جهاد درونی؛ لذا مطلبی را صد درصد می‌داند باطل است؛ ولی امضا می‌کند، صد در صد حق است؛ ولی عمل نمی‌کند. وجود مبارک کلیم حق به فرعون فرمود برای تو صد درصد روشن است که کار من سحر نیست، معجزه است: «لَقَدْ عَلِمْتَ مَا اَنْزَلَ هٰؤُلَاءِ اِلَّا رَّبُّ السَّمٰوٰتِ وَ الْاَرْضِ بِصٰیِرٍ» [13] قرآن کریم این اصل را به این صورت تبیین کرده است، فرمود: «وَ جَحَدُوا بِهَا وَ اسْتَقْبَلْتُهَا اَنْفُسُهُمْ» [14] صد در صد یقین دارند؛ اما از یقین کاری ساخته نمی‌شود؛ از عالم کاری ساخته نمی‌شود؛ از قائم به عقل کاری ساخته نمی‌شود؛ از قائم به علم کار ساخته نمی‌شود. گروه دیگر کسانی هستند که خوب عمل می‌کنند؛ ولی نمی‌دانند که چه بکنند. گروه چهارم جاهل متعصب هستند، نمی‌دانند حرف چه کسی را گوش بدهند؟!

غرض آن است که همان طوری که در فضای بیرون، ما یک مقسمی داریم به اقسام چهارگانه، زیر مقسم؛ در فضای نفس که گوهر ما و حقیقت ما و اصل ماست، مقسمی داریم و چهار قسم زیر مجموعه آن. در درجه اول این باغ کتاب ایران و منطقه غرب آسیا، همانند کتابخانه‌ها و حوزه‌ها و دانشگاه‌ها و دیگر، رسالت اولی آن تولید علم است و عالم شده، یک؛ بعد بفهمیم علم نردبان است نه هدف، این دو؛ بعد بفهمیم به کدام سمت ببریم و به قله عقل برساییم، این سه؛ بعد حالا که عاقل شدیم، این طور نباشد که در کارهای شخصی و امثال آن به عقل عمل کنیم، قائم به عقل باشیم؛ مثل امام؛ آن وقت این شخص می‌شود پیرو امام، این شخص می‌شود انقلابی، این شخص نه بی راهه می‌رود و نه راه کسی را می‌بندد، این شخص نه به کشوری حمله می‌کند، نه به کشوری اجازه می‌دهد که به او حمله کند. نه تروریست؛ پرور است، نه تروریست را تحمل می‌کند. ببینید! این مراحل چهارگانه را قرآن دید، خدا دید، بعد به این قسم یاد کرد، فرمود؛ قسم به قلم! قسم به کتاب! «نَ وَالْقَلَمِ وَ مَا يَسْطُرُوْنَ». بنابراین ما عالمی می‌خواهیم که «قائم بالعلم» باشد؛ باشد. می‌خواهیم که «قائم بالعقل» باشد.

از همه شما بزرگوارانی که در این محفل وزین علمی شرکت کرده‌اید، حق شناسی می‌کنم. از ذات اقدس الهی مسئلت می‌کنم، به برکت خون‌های پاک که در این مملکت ریخته شد، همه ما مواظب زبانمان و گفتارمان باشیم، عالمانه سخن بگوییم، هم آبروی خود را حفظ بکنیم، هم آبروی دیگران را. نه بی راهه برویم، نه راه کسی را ببندیم و ذات اقدس الهی ما را منتظر کسی کند که «قائم بالعقل» است، «قائم بالقسط» است، «قائم بالعلم» و «قائم بالعقل» باشیم.

مجدداً از حضور همه شما فرهیختگان حق شناسی می‌کنیم. از تمام بزرگوارانی که در برگزاری این صحنه وزین علمی کوشش کردند، حق شناسی می‌کنیم.

از ذات اقدس الهی مسئلت می‌کنیم، نظام ما را، رهبر ما را، مراجع ما را، دولت و ملت و مملکت ما را، فرهیختگان حوزوی و دانشگاهی ما را، فرد فرد این ملت بزرگ و بزرگوار ما را در سایه ولایت ولی عصر، حفظ بفرماید!

روح مطهر امام راحل و شهدا را، با اولیای الهی، محشور بفرماید!

«عَفَرَ اللّٰهُ لَنَا وَ لَكُمْ وَ السَّلَامُ عَلَیْكُمْ وَ رَحْمَةُ اللّٰهِ وَ بَرَکَاتُهُ»

[1]. سوره قلم، آیه 1.

[2]. سوره شمس، آیه 1 - 3.

[3]. سوره عنکبوت، آیه 43.

[4]. سوره فاطر، آیه 40.

[5]. تحف العقول، ص 15؛ فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صلى الله عليه و آله و سلم) إِنَّ الْعَقْلَ عِقَالٌ؛ عِقَالٌ مِّنَ الْجَهْلِ؛

[6]. الكافي (ط - الإسلامية)، ج 1، ص 11.

[7]. نهج البلاغة (للصبحي صالح)، حکمت 314.

[8]. سوره اعراف، آیه 176؛ سوره نحل، آیه 44 ...

[9]. سوره يوسف، آیه 46.

[10]. سوره بقره، آیه 230.

[11]. سوره بقره، آیه 164.

[12]. نهج البلاغة (للصبحي صالح)، حکمت 211.

[13]. سوره اسراء، آیه 102.

[14]. سوره نمل، آیه 15.